

Bi-quarterly Journal Govah Legal Education Vol.4, No.1 (Serial 6), Spring and Summer 2018

Jurisprudential and legal Surveying of necessary provisions for the exemption of penalty for murder in bed and compare with new Islamic Punishment Bill

*Ali Gholami

Wife murder is the matter in the article 630 of Islamic penal code and paragraph 4 of the article 302 of Islamic punishment new bill. It was discussed before Islamic revolution in article 179 of penal code and had exempted the husband from the murder, assault of the battery of the adulterer and adulteress.

About the necessary conditions for the realization of this exemption, some jurists prohibited the execution of the sentence and discussed about some problematic points. On the other side most of the Shiite and Sunni jurists believe in the adulterer and adulteress to death by the husband and a few permit the adulterer or adulteress death if they are married.

For explanation of the exemption provisions in the Article 630 of Islamic penal code we should refer to 28th point of *Tahrirolvasileh* book, where the specifically necessary conditions are detectable.

Among these conditions are: the marriage between the criminal and the adulteress, the husbands observes that his wife has a sexual intercourse with a foreign man, a complete sexual intercourse, knowledge about the deference by the husband and wifes crime of adultery by her husband, if the husband's commitment of murder and battery are synchronic with the observation of adultery.

Keywords: murder of wife, marriage, observation, sexual intercourse, deference

بررسی فقهی حقوقی شروط لازم جهت تحقق معافیت بند (ث) ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی

علی غلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۴

چکیده

قتل در فراش که موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و بند ث ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ منعکس شده بود و دال بر معافیت شوهر از مجازات قتل، ضرب و جرح زانی و زانیه می‌باشد. در مورد شروط لازم جهت تحقق این معافیت، برخی فقها اصل اجرای این حکم را محل اشکال و بلکه ممنوع می‌شمردند، قریب به اتفاق فقهای شیعه و سنی قائل به جواز قتل زانی و زانیه توسط شوهر هستند و معدودی نیز احصان زانی یا زانیه را لازم می‌دانند. در تبیین شروط لازم جهت تحقق این معافیت باید به مسأله ۲۸ کتاب تحریرالوسیله دقت نمود که شرایط ضروری حکم از آن قابل کشف است. شروطی همچون وجود علقه زوجیت میان مرتکب جرم و زانیه، مشاهده زن با مرد اجنبی توسط شوهر، وقوع واقعه، علم به تمکین زن توسط شوهر و ارتکاب جرم توسط شوهر در حین مشاهده زنا که دلالت بر ارتکاب قتل، ضرب و جرح صرفاً در زمان مشاهده دارد.

واژگان کلیدی

قتل در فراش، زوجیت، مشاهده، واقعه، تمکین

مقدمه

حکم قتل در فراش که پس از انقلاب اسلامی برای اولین بار در ماده ۶۳۰ ق.م.ا منعکس گردید، اجازه قتل، ضرب و جرح زانی و زانیه را به شوهر داده است و از این حیث حکمی خلاف اصول کلی مجازات‌ها مبنی بر انحصار حق مجازات در دست نظام قضایی می‌باشد.

بنابراین و با توجه به خلاف اصل بودن این حکم، در اجرای آن باید به قدر متیقن اکتفا نمود و از توسعه محدوده مفاد این حکم به موارد مشابه آن با مکانیزم‌هایی همچون قیاس اولویت خودداری نمود و آن را محدود به همان مصادیق متخذ از آن که در مبنای فقهی آن نیز قابل مشاهده است، نمود.

برای تحقق این امر لازم است که عبارات و واژه‌های مذکور در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. و همچنین مبنای فقهی آن یعنی مسأله ۲۸ کتاب تحریرالوسیله به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد که مقنن این معافیت را در چه حالات و شرایطی برای شوهر در نظر گرفته است، اگرچه باید به این نکته نیز توجه داشت که این موارد، تنها شرایط لازم‌الرعايه در هنگام ارتکاب قتل، ضرب یا جرح هستند و معافیت قطعی از مجازات منوط به اثبات زنا توسط شوهر در دادگاه می‌باشد و گرنه خودش به اتهام قتل به قصاص محکوم خواهد شد.

بر همین اساس در این نوشتار ابتدا به ضرورت وجود علقه زوجیت بین مرتکب جرم و زانیه پرداخته می‌شود؛ سپس شرط مشاهده زانی و زانیه توسط شوهر تحلیل می‌گردد؛ در ادامه و پس از تبیین ضرورت وقوع واقعه میان زانی و زانیه به لزوم احراز تمکین زانیه اشاره خواهد شد و در نهایت به انحصار جواز قتل، ضرب یا جرح زانی و زانیه فقط در همان حال و حین مشاهده زنا و نه بعد از آن پرداخته خواهد شد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که علیرغم ذکر موضوع قتل در فراش در بند ث ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و دلالت آن بر معافیت شوهر از قصاص، بر خلاف ماده ۶۳۰ ق.م.ا. سال ۷۰ اشاره کاملی به شروط لازم جهت تحقق این معافیت نشده است و تنها برخی قیود این بند دلالت بر بعضی شرایط دارد؛ ولی با توجه به مبنای فقهی این معافیت و ارجاع بند ث به «شرحی که در قانون مقرر است» باید گفت که بطور قطع وجود شرایط مندرج در مباحث فقهی جهت تحقق این معافیت ضروری است.

۱. وجود علقه زوجیت

ماده ۶۳۰ ق.م.ا. قدیم مقرر می‌دارد که: هرگاه مردی «همسر» خود را ... و بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید می‌گوید: نسبت به «شوهر». از این قید، این معنا مشخص می‌گردد که حق قتل یا ضرب و جرح زانی و زانیه در فراش، تنها برای شوهر زانیه در نظر گرفته شده است و سایر افراد اعم از بستگان زن یا دیگران، چنین حقی را ندارند؛ لذا اگر مردی شاهد زناى زن دیگری ولو دختر، خواهر، و یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل، ضرب یا جرح نمی‌باشد و در صورت ارتکاب، حسب مورد مجازات خواهد شد. اما در ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق، کسی که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده نموده و اقدام به قتل یا ضرب و جرح آنها می‌نمود، اگرچه به طور مطلق از مجازات معاف نبود، اما بر خلاف قانون مجازات اسلامی، به صورت نسبی از مجازات معاف می‌شد و حتی برای قتل، مجازات خفیف یک تا شش ماه حبس در نظر گرفته می‌شد.

احراز وجود رابطه زوجیت، با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صورت می‌گیرد. در حقوق مدنی، منظور از رابطه حقوقی زوجیت، رابطه‌ای است حقوقی، که به وسیله عقد بین مرد و زن ایجاد می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند. (امامی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۹-۲۶۸) حال، این سؤال مطرح می‌شود که مراد از همسر، همسر دائمی است، یا همسر موقت را نیز شامل می‌شود؟ گرچه بعضی از حقوقدانان، این حکم را تنها ناظر به همسر دائمی می‌دانند (حائری شاه‌باغ، ۱۳۵۳، ص ۹۰) اما در کلام و اقوال فقها، بین نکاح دائم و نکاح موقت تفاوتی مشاهده نمی‌شود (بابایی، ۱۳۷۷، ص ۶۱) چون با توجه به فلسفه مشروعیت این حکم و اطلاق روایات، دلیلی جهت تفکیک دو نوع عقد وجود ندارد. لذا همسر موقت (متعه) نیز یقیناً مشمول حکم مذکور گردیده است. (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۳۶۸ و شهید اول، بی‌تا، ص ۱۲۰)

در حقوق مدنی، استعمال کلمه نکاح، اعم است از معنای دائم و موقت آن. مثلاً در ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی مقرر شده است که: «نکاح، وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد»؛ لذا با عنایت به این ماده و سایر مقررات، می‌توان ادعا کرد که نکاح، شامل علقه زوجیت اعم از دائم و منقطع می‌باشد. (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۱۱-۲۱۲) از سویی در ماده ۱۰۹۸ ق.م.ا. آمده است که: «در صورتی که عقد نکاح، اعم

از دائم و منقطع، باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و ...»؛ همان طوری که در این مورد هم نکاح دائم و منقطع از لحاظ کیفیت ایجاد و ابطال یکی هستند، به نظر می‌رسد از سایر جهات هم در یک ردیف قرار گیرند. (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷ و محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۱۹ - ۲۱۸)

بحث دیگری که ممکن است مطرح شود، مربوط به ایام عدّه طلاق رجعی می‌باشد. به عبارتی اگر مردی، در عدّه طلاق رجعی، همسرش را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده نمود، آیا حق قتل یا ضرب و جرح زانی و زانیه یا هر دو را خواهد داشت یا خیر؟ برخی از حقوقدانان (آزمایش، ۱۳۵۳، ص ۳۳) اعتقاد دارند با توجه به ماده ۱۱۴۹ ق.م. که مقرر می‌دارد لفظ یا فعلی که دلالت بر رجوع دارد، باید مقرون به قصد رجوع باشد و حال آنکه در چنین موردی، شوهر ابتدا قصد رجوع ندارد، بلکه قصد وی ایراد ضرب و جرح و قتل زن است؛ لذا این حق در ایام عدّه طلاق رجعی برای مرد وجود ندارد. اما باید توجه داشت که هرچند رابطه زوجیت میان این دو نفر به واسطه طلاق از بین رفته است، ولی بنا بر تصریح ماده ۸۵ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «طلاق رجعی، قبل از سپری شدن ایام عدّه، مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند، ولی طلاق بائن، آنها را از احصان خارج می‌نماید»، و همچنین ماده ۱۰۵۴ ق.م. مبنی بر این که: «زنانی با زن شوهردار یا زنی که در عدّه رجعیه است، موجب حرمت ابدی است»، طلاق رجعی از درجه حرمت ازدواج دائم نمی‌کاهد و تا قبل از اتمام ایام عدّه، شرایط و آثار قبل از طلاق همچنان پایدار است و هنوز هم جز شوهر، شخص دیگری حق نزدیکی با این زن را ندارد؛ لذا اگر زن زانیه در عدّه رجعیه باشد و شوهرش در شرایط ماده ۶۳۰ ق.م.ا. قدیم او را با مرد اجنبی مشاهده کند و مرتکب قتل یا ضرب و جرح شود، از معافیت ماده مذکور استفاده خواهد کرد. (صبری، ۱۳۷۹، ص ۲۹)

فقها نیز زن را در عدّه طلاق رجعی مشمول حکم زوجیت می‌دانند؛ مثلاً شیخ مفید می‌فرماید: «اگر کسی زنی را که در عدّه شوهرش است، عقد کند و به عدّه زن هم علم داشته و نزدیکی نماید، مرد حد زنا می‌خورد و زن هم حد می‌خورد و به انکارش توجه نمی‌شود که نمی‌دانسته است ازدواج در عدّه حرام می‌باشد. حال اگر عدّه طلاق بائن بود، زن شلاق می‌خورد و اگر عدّه طلاق رجعی بود، زن سنگسار می‌شود.» (شیخ مفید، ۱۴۱۰ه.ق، ص ۷۸۰) مشاهده می‌شود که ایشان زن را در عدّه طلاق رجعی محصنه

دانسته‌اند و لذا تسری احکام نکاح به ایام عده طلاق رجعی، دور از ذهن نمی‌باشد. البته اگر زوجه در عده طلاق بائن باشد، یا به هر حال علقه زوجیت وی با مرد، کاملاً گسسته شده باشد، معافیت مذکور شامل حال زوج نخواهد شد. لذا دیوان عالی کشور، در رأی شماره ۱۰۹۴-۱۳۱۹/۴/۱۲ گفته است: «با انحلال نکاح، شوهر نمی‌تواند از عذر برانگیختگی استفاده کرده و حتی نمی‌تواند زانی و زانیه را تحت تعقیب جزایی قرار دهد.» (وزیری، ۱۳۵۲، ص ۳۸)

۲. مشاهده زن و مرد اجنبی توسط شوهر

شوهر باید عمل زنا بین همسر خود با مرد اجنبی را «مشاهده» کند؛ به عبارت دیگر، شوهر باید ناظر مستقیم و بلاواسطه عمل زنا به شکل منعکس شده در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. باشد که البته بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید اشاره‌ای به آن نکرده و به ارجاع بسنده کرده است. در واقع، معیار ثبوت جرم زنا، رؤیت و مشاهده شوهر است؛ بنابراین، اگر به عنوان مثال، کسانی برای مردی روایت کند که همسرت با فلان مرد اجنبی ارتباط دارد و یا حتی اشخاصی - به تعداد کافی - برای مرد شهادت دهند که زن وی را در حال زنا و در فراش با فلان مرد (اجنبی)، مطابق ماده ۶۳۰ ق.م.ا. دیده‌اند و یا اصلاً خود شوهر، از طریق عکس، فیلم ویدئویی یا ... صحنه زنا را مشاهده نماید، در خصوص هیچ‌کدام از این موارد، موجبی برای کشتن مرد اجنبی و زن شوهردار فراهم نخواهد شد. از نظر فقها با توجه به عدم ذکر شرط مفاجاً در مستندات روایی، دیدن ناگهانی مورد اشاره قرار نگرفته و بحثی در رد یا تأیید این شرط وجود ندارد و در مورد آن اظهارنظری نشده است.

اما به نظر حقوقدانان، منظور از کلمه «مشاهده» که در ماده ۶۳۰ به کار رفته، دیدن ناگهانی است؛ چرا که کلمه مشاهده از باب مفاعله بوده و به معنای مفاجئه و برخورد ناگهانی می‌باشد. بنابراین، اگر قتل با تمهید مقدمات و به کمین نشستن واقع شود، مصداق ماده نبوده و مرد حق استفاده از این مجوز را نخواهد داشت؛ مثلاً اگر شوهری که از رابطه نامشروع همسر خود با مرد اجنبی اطلاع یافته است، با طرح و نقشه قبلی وضع را طوری آماده نماید که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده کند و سپس با اسلحه‌ای که برای این کار آماده نموده است، آنها را به قتل برساند، بدیهی است

که حق استفاده از معافیت مقرر در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. را نخواهد داشت. در ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق نیز شرط مشاهده ذکر شده بود و چون فلسفه و مبنای این ماده، تحریک روحی بود لذا برای قتل یا ضرب و جرحی که با تهیه مقدمات و با برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شد، عملاً بحث تحریک روحی و عصبانیت دفعی منتفی بود و حق استفاده از معافیت وجود نداشت.

البته بعضی از حقوقدانان (مهرپور، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴) با توجه به اینکه مبنای ماده ۶۳۰ را چیزی غیر از تهییج و تحریک روحی می‌دانند، معتقدند فرقی نمی‌کند که شوهر به طور ناگهانی و اتفاقی با منظره ارتباط نامشروع زن خود با مرد اجنبی مواجه شود یا با توجه به اینکه قبلاً از رابطه زن اطلاع داشته و یا مشکوک بوده، با سبق تصمیم و حتی تمهید و طرح نقشه قبلی و آماده کردن زمینه برای پی بردن به موضوع، زن را با مرد اجنبی ببیند و به قتل آنها اقدام نماید و در هر حال از مجازات معاف است و حتی اضافه می‌کند که ولو اینکه به موجب ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق، با توجه به فلسفه وضع آن نتوان این قتل را مجاز و قاتل را معاف دانست، طبق ماده ۶۳۰ ق.م.ا. در هر حال قتل مجاز و موجب معافیت از مجازات است.

با این وجود، کسی که دلالتی محبت می‌کند و برای همسرش مقدمات زنا با مرد اجنبی را فراهم می‌نماید، حق استفاده از این معافیت را ندارد، ولو اینکه همسر خود را در حال زنا به طور ناگهانی مشاهده نماید. (کشاوری، ۱۳۷۵، ص ۶۸)

۳. وقوع موافقه

جهت تحقق شرط معافیت از مجازات، وقوع زنا لازم است و باید مرد، شاهد عمل «زنا» بین همسر خود و مرد اجنبی باشد که مورد تصریح ماده ۶۳۰ ق.م.ا. و بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید قرار گرفته است. منظور از زنا عبارت است از: جماع مرد، با زنی که بر او ذاتاً حرام است، گرچه در دُبُر باشد؛ در غیر موارد وطی به شبهه. بنابراین، اگر مردی همسر خویش را در حال ارتکاب عمل منافی عفت مانند تقبیل، مضاجعه یا تفخیز با مرد دیگری ببیند و یا همسر خود را در حال مساحقه با زن دیگری مشاهده کند، حق ارتکاب اعمال مذکور در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. را نخواهد داشت. نهایتاً این که عمل ارتکابی بین زن و مرد اجنبی از روی شبهه نباشد؛ بلکه بایستی «وطی غیر قانونی

و دخول بدون سبق عقد و نکاح صحیح، با علم به این امر» بوده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۳۵)

برای جواز قتل از سوی شوهر و معافیت وی از مجازات، فرقی بین زنا‌ی محصنه و غیر محصنه وجود ندارد؛ یعنی اگر زنا، حتی زنا‌ی محصنه - که مجازات آن، حد رجم (سنگسار کردن) است - هم محسوب نگردد، باز هم بنا به اطلاق ماده ۶۳۰ ق.م.ا. و بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید، ارتکاب قتل جایز بوده و موجب معافیت از مجازات خواهد بود؛ مثل این که مرد اجنبی، فاقد همسر باشد، و یا اصلاً شرایط لازم برای احسان زن (هرچند شوهردار) جمع نباشد. البته برخی از فقها مانند ابن ادریس، در صورتی قتل را جایز می‌دانند که زانی و زانیه، هر دو، شرط احسان را داشته باشند و اَلّا قتل جایز نیست. (صبری، ۱۳۷۹، ص ۳۱)

بار اثبات وقوع زنا، بر عهده شوهر می‌باشد؛ یعنی اباحه ارتکاب قتل توسط شوهر در زمان وقوع زنا و اطمینان به ارتکاب زنا توسط زن و مرد اجنبی، مربوط به واقع و نفس‌الامر است؛ ولی برای اینکه دادگاه، اقدام قاتل را مباح بداند و بتواند شوهر را از مجازات معاف دارد، او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات نماید. در مورد اثبات نیز، چون اقرار به زنا به لحاظ کشته شدن زانی و زانیه منتفی است، بایستی به وسیله شهادت چهار مرد عادل، یا سه مرد عادل و دو زن عادل، که شاهد زنا بوده‌اند و بر اساس موازین فقهی بر وقوع زنا شهادت می‌دهند، موضوع نزد حاکم شرع اثبات شود (ماده ۷۴ ق.م.ا.)؛ و یا طبق ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی با علم قاضی اثبات شود. در هر حال، بدون اثبات زنا، قتل مذکور نزد دادگاه مباح نبوده و مرتکب از مجازات معاف نخواهد بود و قصاص می‌شود.

منظور از مرد اجنبی (زانی)، مردی است که آمیزش با آن زن، بر وی حرام می‌باشد؛ البته در فقه، شخص ثالث نسبت به طرفین عقد را نیز اجنبی می‌گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۱۴) بنابراین، هر مردی به غیر از شوهر زن، که طرف عقد نکاح نیست، از نظر قانون اجنبی محسوب می‌شود؛ حتی اگر به زن، محرم باشد؛ مانند پدر، برادر، پدربزرگ، عمو، دایی و یا پدرشوهرش.

در ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق، وقوع زنا جهت استفاده از معافیت لازم نبود؛ و صرف مشاهده زن با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالتی که به منزله وجود در یک فراش

است، مرد را مجاز به قتل یا ضرب و جرح زانی و زانیه و استفاده از معافیت می‌نمود. به عبارتی، مفهوم «حالت در یک فراش یا به منزله یک فراش» بسیار موسّع تلقی شده و فقط عنصر واقعه و هتک ناموس در نظر گرفته نمی‌شد. از جمله شعبه دوم دیوان عالی کشور، در رأی شماره ۱۰۶۴۴/۲۴۷۱ مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ چنین نظر داده است: «اعتراض مدعی‌العموم استیناف بر حکم محکمه جنایی بر آنکه «اظهارات متهم نزد مأمور امنیه، حاکی است که مشارالیه عیال خود را در حالت واقعه مشاهده نموده بود، در همان حال به قتل او اقدام می‌کرد»، نقض حکم مورد درخواست را ایجاب نمی‌کند؛ زیرا به طوری که از حکم مزبور مستفاد است، در نتیجه تحقیقات و به موجب دلایل و نشانی‌های استنادیه، اقدام متهم را به قتل زن خود در حالتی که به منزله وجود در یک فراش و مقارن با مشاهده وضعیت مزبور بوده، احراز کرده و با این کیفیت، اعتراض مدعی‌العموم استیناف، در حقیقت راجع به ماهیت امر و ایراد به نظر و تشخیص محکمه حاکمه است و بر حسب استنباط از دلایل و تحقیقات، اصولاً این اعتراضات را نمی‌توان مورد نظر تمیزی قرار داد چون از لحاظ اصول و قانون، اشکال مؤثر موجب نقض به نظر نمی‌رسد، حکم مورد درخواست تمیز به اتفاق آراء ابرام می‌گردد.» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۵)

فقهای که در کتب فقهی خود به این موضوع پرداخته‌اند، بر این مطلب اتفاق نظر دارند که مرد، باید همسر خود را «در حال زنا» با مرد اجنبی مشاهده کند و این امر، از بدیهی‌ترین مسائل در خصوص حکم مزبور است، به دلیل آنکه تنها در صورتی می‌توان زن و مرد بیگانه را مستحق قتل دانست که مرتکب یکی از جرایم مستوجب حد شده باشند. (بابایی، ۱۳۷۷، ص ۶۶) فقهای امامیه با به‌کار بردن عبارت «لو وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها» (امام خمینی، بی‌تا، ص ۴۱۹ و شهید اول، بی‌تا، ص ۱۲۰) یا «إذا وجد رجلاً یزنی مع زوجته» (روحانی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۴۴۱) یا «إذا وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها» (نجفی، بی‌تا، ص ۳۶۸) یا «إذا وجد الرجل مع امرأته رجلاً یفجر بها» (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۸، ص ۷۶) ضمن بیان حکم، شرط واقعه بین زن و مرد اجنبی را لازم دانسته‌اند و برای وقوع زنا، بر اساس عمومات این باب در کتب فقهی، انجام عمل همانند میل در سرمه‌دان (کالمیل فی المکحله) را ضروری می‌دانند. فقهای اهل سنت نیز عبارت «من وجده مع زوجته» یا «إذا وجد الرجل مع امرأته

رجلاً» (جزیری، بی تا، صص ۶۶-۶۵) و یا عباراتی نظیر آن را به کار برده‌اند. در باب شهادت بر زنا نیز، فقهای شیعه شهادت چهار شاهد را که بایستی همگی از رجال آزاد، عادل و مسلمان باشند، شرط می‌دانند؛ که بایستی ایشان، زانی و زانیه را خود، شخصاً در حال زنا دیده باشند و چنانچه در توصیف مکان، زمان و سایر خصوصیات ارتکاب زنا تعارضی دیده شود، شهادت ایشان مسموع نیست و حد قذف بر آنها جاری می‌شود. با این اوصاف، اگر انجام عمل زنا توسط زن و مرد اجنبی قطعی نبوده و شکی در این زمینه وجود داشته باشد، به دلیل عدم تحقق این شرط، شوهر مجاز به ارتکاب قتل ایشان نمی‌باشد. (بابایی، ۱۳۷۷، ص ۶۷)

۴. علم به تمکین زن

شوهر در صورتی می‌تواند همسر خود را بکشد که علاوه بر شرایط دیگر، علم به تمکین زن نیز داشته باشد. این شرط با عبارت «علم به تمکین زن داشته باشد» در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. و با قید «در غیر موارد اکراه و اضطرار» در بند ث ماده ۳۰۲ قانون مورد اشاره قرار گرفته است. تشخیص تمکین یا عدم آن، چه برای شوهر در حین مشاهده و چه برای قاضی، از مسائل پیچیده بحث قتل در فراش است؛ ولی در هر حال، با توجه به قرائن و امارات، کشف آن ناگزیر می‌باشد.

در هنگام مواجهه مرد با صحنه زنا، اطلاع از تمکین یا عدم تمکین زن، با دقت در حرکات و سکنت وی مقدور است. به عبارتی، مرد در برخورد با صحنه زنا باید دقت کند که حرکات همسرش در مقابل زانی، نشان‌دهنده رضایت وی و تمکین اوست، یا وی در حال مقاومت و جلوگیری از تحقق زناست؛ یعنی اگر زن تمکین نکرده و راضی به زنا نباشد، نشانه‌ها و علائم مقاومت و نارضایتی در حرکات وی در مقابل زانی مشاهده خواهد شد. اما اطلاع قاضی از تمکین یا عدم تمکین زن، از طریق علامات و آثار تجاوز به عنف قابل تحقق است. در این گونه موارد، وجود آثار ضرب و جرح در سر و صورت و بدن زن، مخصوصاً در زیر شکم و ناحیه سرین و نواحی تناسلی او، جلب نظر می‌نماید. همچنین، آثار ضرب و جرح از قبیل خراشیدگی، نقاط کبود شده و ... بر بدن متهم نیز شاهد خوبی بر ارتکاب جرم (زنا به عنف) از سوی وی خواهد بود. (گودرزی، ۱۳۷۴، ص ۵۶۴)

طبیعتاً در صورت یقین شوهر به اکراه زن و عدم تمکین و رضایت او به زنا، حق کشتن زن از طرف شوهر ساقط شده و در آن صورت، وی فقط می‌تواند مرد اجنبی را به قتل برساند. این شرط، ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مورد مرد مفروض می‌دانند؛ لکن در مورد زن، به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به وی قائلند. لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل شده‌اند. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۶)

در ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق، شرط تمکین زن جهت توجیه قتل وی لحاظ نشده بود و مرد حق داشت با شرایط خاص این ماده، اقدام به قتل یا ضرب و جرح همسر، دختر یا خواهر خود و مرد اجنبی نماید، بدون این که لازم باشد تمکین آنها را در مقابل زانی احراز کند و در این مورد، حکم ماده مطلق بود و مقتوله را علیرغم مکره بودن، قابل قتل، ضرب یا جرح دانسته بود.

۵. ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

زمانی شوهر حق دارد اقدام به قتل مرد اجنبی و همسر خود نماید که در همان حال (زنا) آنها را بکشد؛ بدین معنا که شوهر بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، بایستی مرتکب قتل شده باشد و تنها در این صورت از قصاص معاف است. ماده ۳۳۰ ق.م.ا. با قید «در همان حال آنان را به قتل برساند» به این موضوع اشاره کرده ولی در بند ث ماده ۳۰۲ قانون از این قید خبری نیست و ارجاع به شرایط قانونی بر آن دلالت می‌نماید.

بنابراین شرط، چنانچه شوهر بعد از اتمام عمل مرتکب قتل شود، حالت انتقام داشته و قانونگذار چنین قتلی را معاف از مجازات نمی‌داند. همچنین اگر مردی از طریق دیگری اطمینان حاصل کند که زنش با مرد اجنبی ارتباط نامشروع برقرار کرده است، به استناد این ماده نمی‌تواند مرد یا زن را به قتل برساند و از مجازات معاف باشد؛ اگرچه ممکن است بتوان چنین موردی را از مصادیق ماده ۲۲۶ ق.م.ا. و مهدورالدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته آن هم بر اساس ماده اخیر محتاج اثبات بوده و قاتل باید استحقاق قتل ایشان را در دادگاه ثابت کند. (مهرپور، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴)

البته منظور از همان حالت (زنا) از دیدگاه عرف حالت متصل به جماع است؛ زیرا طبیعی است که وقتی شوهر داخل شود، مرد و زن زناکار از جای خود برمی‌خیزند و

به دفاع می‌پردازند یا فرار می‌کنند. بنابراین تمامی این حالت‌ها را می‌توان مشمول «همان حال» دانست. (صبری، ۱۳۷۹، ص ۳۰ و آزمایش، ۱۳۵۳، ص ۳۳)

عبارت ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق نیز مؤید این امر بود که قانونگذار به تقارن زمانی قتل با زنا ارتكابی توجه داشته است و از آنجا که تئوری تحریک یا برانگیختگی از نظر اکثر حقوقدانان و رویه قضایی به عنوان مبنای حکم مورد پذیرش قرار گرفته بود، لازم بود که مرد بلافاصله بعد از مشاهده صحنه فراش مرتکب قتل شود، تا این توجیه که به علت مشاهده صحنه فراش خویش‌تنداری و سلطه کامل خود را بر اراده‌اش از دست داده است و به دلیل عارض شدن چنین حالتی نمی‌توان او را مسؤول عمل ارتكابی در آن لحظه دانست، از نظر دادگاه رسیدگی‌کننده به موضوع مورد پذیرش قرار گیرد. (وزیری، ۱۳۵۲، ص ۳۶)

دیوان عالی کشور نیز این تقارن زمانی را ضروری دانسته و در رأی شماره ۲۴۷ مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ چنین نظر داده است: «معافیت قاتل ... وقتی محرز است که در فراش و مانند آن مشاهده و بلافاصله اقدام به قتل شود». (وزیری، ۱۳۵۲، ص ۴۱) لذا با عنایت به مطالب فوق مشخص می‌شود که هرگاه شوهر در ابراز عکس‌العمل، تملک و عنان اختیار خود را از دست بدهد، از معافیت برخوردار می‌شود و برعکس، هرگاه عکس‌العمل او صورت انتقام داشته باشد، مجازات می‌شود.

با توجه به بحث مذکور و لزوم تقارن زمانی بین قتل و عمل زنا و توجیه آن بر اساس مستندات ماده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اگر شوهر با علم و آگاهی و سبق تصمیم و تهیه مقدمات ارتكاب جرم، مرتکب قتل زن و مرد اجنبی شود از معافیت مذکور برخوردار می‌شود یا خیر؟

در ارتباط با ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق بعضی از علمای حقوق جزا عقیده داشتند که شوهر در ارتكاب قتل با سبق تصمیم از معافیت قانونی برخوردار نمی‌شود، زیرا در این صورت مبنایی که معافیت قانونی را توجیه می‌کند و آن خشم و هیجان روحی غیرمترقب ناشی از ظهور ناگهانی توهین و لطمه به شرافت شوهر است، علت وجودی خود را از دست می‌دهد و عمل وی انتقام توأم با خونسردی تلقی می‌شود. (صانعی، بی‌تا، ص ۲۱۹، علی‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۲۳۹ و حائری شاه‌باغ، ۱۳۵۳، ص ۹۰)

عده‌ای دیگر از حقوقدانان قائل به تفکیک بین دو حالت شده‌اند: نخست آنکه

شوهر با داشتن سوء ظن مشکوک و مبهم نسبت به خیانت زن خود، به منظور قتل وی و شریک جرم او خود را مسلح می‌سازد و در لحظه مشاهده آنان در فراش اقدام به قتل می‌نماید؛ که در چنین حالتی سبق تصمیم، هیجان روحی و خشم ناگهانی جرم را منتفی نمی‌کند و بنا بر قاعده، شوهر از معافیت قانونی بهره‌مند می‌گردد. در حالت دوم اگر شوهر با علم و یقین به خیانت زن، خود را با قصد قبلی برای ارتکاب قتل آماده کند و به محض دیدن صحنه واقعه یا حالاتی شبیه به آن، اقدام به قتل زن و شریک وی کند نمی‌توان معافیت قانونی را در مورد وی قابل اعمال دانست. (آزمایش، ۱۳۵۳، ص ۷۱)

گروهی نیز معتقدند که برخوردار از معافیت ماده مطلق است و در مورد سبق تصمیم یا عدم آن بحثی نشده است. از سوی دیگر تجسس در قلمرو قوای روحی شوهر در هنگام مواجهه با صحنه زنا همسر خویش با مرد اجنبی و تشخیص میزان خشم و هیجان روحی وی کاری بس دشوار است؛ لذا میان این دو حالت فرقی نیست و در هر حال معافیت شامل حال زوج می‌شود. (وزیری، ۱۳۵۲، ص ۴۸)

اما از نظر دیوان عالی کشور: «ماده ۱۷۹ ناظر به مواردی است که شوهر دفعه‌تاً مواجه با آن وضعیت شده و به واسطه هیجان روحی شدیدی که عارض او شده مرتکب قتل می‌شود.» (رای شماره ۱۳۳۳ مورخ ۱۳۱۷/۶/۲۲). همچنین در ادامه می‌گوید: «تبرئه قاتل از لحاظ دفاع از ناموس بدون مشاهده در یک فراش و با تهیه مقدمه جایز نیست». بنابراین از نظر دیوان عالی کشور سبق تصمیم منافی با معافیت از مجازات بوده و چنانچه ارتکاب قتل مسبوق به تهیه مقدمات و آگاهی به خیانت زن باشد در صورت ارتکاب قتل وی و شریکش، شوهر مشمول معافیت حکم قرار نخواهد گرفت.

از نظر قانون مجازات اسلامی، در پاسخ به سؤال مذکور باید اذعان داشت که آگاهی قبلی و سبق تصمیم و تمهید طرح نقشه قبلی برای مشاهده زن و مرد اجنبی و قتل یا ضرب و جرح آنها در حال زنا معافیت مذکور را در مورد زوج غیر قابل اجرا خواهد نمود چون همان‌طور که قبلاً اشاره شد زوج باید زانی و زانیه را مشاهده نماید و معنای مشاهده، دیدن ناگهانی و دفعی است، و طبیعتاً با سبق تصمیم این معنای مشاهده محقق نخواهد شد.

از سویی در بحث دفاع مشروع، دفاع باید ضرورت داشته باشد و تنها راه دفع خطر و تجاوز باشد. حال اگر فردی از قبل بداند که خطری محقق می‌گردد و خود نیز جهت

تحقق آن برنامه‌ریزی کند و سپس در مقام دفع خطر به دفاع مشروع متوسل گردد، آیا این عمل وی با اصول کلی دفاع مشروع سازگار و منطبق است؟ به عبارتی آیا ضرورت دفاع وی آن هم با قتل زانی و زانیه یا یکی از آن دو قابل اثبات است و می‌توان گفت تنها راه دفاع آن هم در مقابل خطری که خود فرد هم در برنامه‌ریزی آن سهیم بوده، قتل یا ضرب و جرح زانی و زانیه می‌باشد؟ آیا اصولاً راه دیگری جهت جلوگیری از وقوع این خطر علیرغم اطلاع قبلی و برنامه‌ریزی مدافع وجود نداشته است؟

بنابراین با توجه به ابتداء ماده ۶۳۰ ق.م.ا. بر اصل دفاع مشروع و عدم انطباق فرض فوق بر اصول کلی دفاع مشروع، به نظر می‌رسد در آن صورت جایی و توجیهی برای استفاده زوج از معافیت وجود نخواهد داشت. البته فقها در بیان حکم قتل در فراش، به بحث سبق تصمیم اشاره‌ای نکرده‌اند و مشخص نیست که آیا سبق تصمیم از نظر فقها موجب عدم استفاده زوج از معافیت خواهد شد یا خیر؟ در پایان این نوشتار ذکر دو نکته تکمیلی ضروری است.

الف. مطابق ماده ۶۳۰ ق.م.ا. افعالی که انجام آنها برای زوج، علیه زوجه و اجنبی جایز است، عبارتند از: قتل، ضرب یا جرح و مطابق بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید فقط قتل.

گروهی از حقوقدانان قائلند که به دو دلیل، معافیت باید شامل هرگونه جرمی شود که از ناحیه زوج ارتکاب می‌یابد؛ اول اینکه قانونگذار، مهم‌ترین جرایمی را که ممکن است از طرف مرد تحریک شده ارتکاب یابد، ذکر کرده و از اشاره به جرایمی که در مقام مقایسه از اهمیت کمتری برخوردارند، اجتناب کرده است. دوم اینکه بر اساس این اصل، که موارد ابهام و اشکال باید به نفع متهم تفسیر گردد، سایر جرایم را - مانند قتل و ضرب و جرح - باید معاف از مجازات دانست. (آزمایش، ۱۳۵۳، ص ۷۲)

در پاسخ، باید گفت که وقتی قانونگذار، قتل زانی و زانیه را در همان حال مشاهده زنا از مجازات معاف می‌داند ولی پس از اتمام زنا این حق را از زوج سلب می‌نماید، چگونه می‌توان به زوج، اجازه ارتکاب سایر جرایمی را داد که بعضاً تا مدت مدیدی بعد از مشاهده زنا به طول می‌انجامد؟ مثل این که زوج، زانی و زانیه را در محل ارتکاب زنا حبس کند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرند؛ یا مثلاً علیه زانی، اعمال منافی

عفت مرتکب شود و بعد از مدتی وی را به قتل برساند، یا ... در نتیجه باید گفت که نمی‌توان بر پایه قیاس اولویت و طبقه‌بندی جرایم بر اساس شدت و ضعف آنها، مجوز ارتکاب سایر جرایم توسط شوهر را صادر نمود؛ لذا شوهر، همان طور که به صورت حصری در ماده اشاره شده است، مجاز به قتل یا ضرب و جرح زانی و زانیه می‌باشد و حق ارتکاب جرایم دیگر علیه آنها را ندارد؛ چون اصل، بر تفسیر منطقی قوانین جزایی بر اساس نظر مقنن است، هرچند جرم ارتكابی خفیف‌تر از جرایم احصاء شده در ماده باشد. البته به نظر می‌رسد ارتکاب جرایمی که مشابه قتل، ضرب و جرح می‌باشد، بلاشکال باشد. (صبری، ۱۳۷۹، ص ۳۱)

ب. اگر زانی و زانیه، در مقابل حمله شوهر، اقدام به دفاع نمایند و مرتکب قتل یا ضرب و جرح شوند، آیا می‌توان ایشان را از مزایای دفاع مشروع بهره‌مند ساخت یا خیر؟ به عبارت دیگر، اگر همسر یا مرد اجنبی، که در معرض حمله فعلی شوهر قرار گرفته‌اند، به عملیاتی برای خنثی کردن این حمله دست بزنند که ضمن آن، صدماتی به شوهر وارد آید و یا به قتل برسد، آیا می‌توان عمل زن یا مرد اجنبی را دفاع مشروع تلقی نمود؟

بعضی از حقوق‌دانان معتقدند هرچند قانون عمل مرد را معاف از مجازات می‌شمارد، ولی این حکم یک حکم استثنایی است و عمل شوهر مانند حمله‌ای که فرضاً از طرف مأمور پلیس برای اجرای قانون صورت می‌گیرد، از طرف قانون تأیید و تجویز نشده است. البته این نظر، بیشتر بر اساس قواعد دفاع مشروع مذکور در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بوده است. مطابق مواد آن قانون، ابتدایی بودن حمله یکی از شرایط دفاع مشروع به حساب نیامده و رویه قضایی نیز چنین شرطی را قائل نگردیده بود؛ لذا دفاع در قبال حمله، اعم از این که مسبوق به تحریک مدافع می‌بود یا نه، مشروع شناخته می‌شد. در نتیجه دفاع در قبال حمله‌ای که شوهر علیه زن خود یا مرد اجنبی یا هر دوی آنها که در یک فراش دیده بود مرتکب می‌شد، یکی از این موارد بود؛ به این نحو که چون حمله شوهر غیر قانونی محسوب می‌شد و در آن حال، برای زن یا مرد اجنبی امکان دسترسی به قوای دولتی جهت دفع حمله وجود نداشت و در ضرورت دفاع تردیدی نبود، لذا هرگاه زن یا مرد اجنبی به دفع حمله شوهر تحریک شده اقدام و از

جان خود دفاع می‌کردند، عمل آنان دفاع مشروع محسوب می‌شد و این دو اگرچه ممکن بود از حیث وجود رابطه نامشروع قابلیت تعقیب را داشته باشند، لکن از حیث صدماتی که علیه تمامیت جسمانی شوهر وارد کرده بودند، به شرط جمع بودن شرایط مربوط به دفاع مشروع، قابل تعقیب نمی‌بودند.

مطابق قانون مجازات سال ۱۳۵۲، یکی از شرایط اساسی مشروعیت دفاع این شد که حمله، نتیجه تحریک خود مدافع نبوده باشد؛ و بنابراین چون حمله شوهر به زن و مرد اجنبی نتیجه برانگیختگی‌ای است که عمل آن دو در هم‌خوابگی ایجاد کرده، لذا اگر یکی از آنها یا هر دو در مقام دفاع برآمده و مرتکب جرمی علیه تمامیت جسمی شوهر می‌شدند، عنوان دفاع مشروع بر آن منطبق نبود و قابل تعقیب و مجازات می‌بودند. به عبارتی این دو فرد (زانی و زانیه) در مقابل شوهر مهدورالدم تلقی می‌شوند، لذا اعطاء حق دفاع مشروع به آنها که خودشان عامل حمله شوهر به خود بوده‌اند و از طرفی در مقابل شوهر خونشان هدر است، معقول و منطقی نمی‌باشد و حق دفاع ندارند و اگر متعرض شوهر شوند، به قصاص جراحی که وارد کرده‌اند محکوم خواهند شد.

ماده ۵۵ ق.م.ا سابق و ۱۵۶ قانون جدید، یکی از شرایط تحقق حالت ضرورت را عدم دخالت عمدی شخص در ایجاد خطر می‌داند و در نتیجه استدلال کسانی که با توسل به حالت ضرورت یا اضطرار، حمله زانی و زانیه به شوهر را توجیه می‌نمایند، قابل قبول نخواهد بود. به نظر می‌رسد حتی به فرض اینکه حمله‌ای که از طرف شوهر صورت می‌گیرد، غیر مجاز و ناعادلانه و بر خلاف حق باشد، ولی قانونگذار چنین صفاتی را برای این حمله قائل نیست و آن را مجاز دانسته و مرتکب را از مجازات معاف می‌نماید.

از سوی دیگر، از لحاظ عرف و منطق نیز جایز نیست به کسی که خود با فراهم آوردن یک موقعیت نامشروع باعث حمله شوهر شده، اجازه داده شود که به دفع حمله آن هم به صورتی که باعث قتل یا ضرب و جرح شدید شوهر شود بپردازد و از قاعده دفاع مشروع برای فرار از مجازات استفاده کند. بنابراین، چون حمله شوهر قانونی است، لذا دفاع در مقابل آن را نمی‌توان مشروع دانست.

نتیجه گیری

موضوع قتل در فراش که در ماده ۶۳۰ ق.م.ا سابق و بند ث ماده ۳۰۲ قانون جدید ذکر شده است، به مرد اجازه می‌دهد در صورت مشاهده زناى همسرش با اجنبی آن دو را در همان حال به قتل برساند یا مضروب و مجروح کند به شرط علم به تمکین زن. البته این اجازه مربوط به مقام واقع و ثبوت است و در مقام ظاهر و اثبات، معافیت مرد از مجازات منوط به توان وی برای اثبات زناى آن دو است و گرنه خودش به مجازات قتل، ضرب یا جرح ارتكابی محکوم خواهد شد.

با توجه به اینکه حکم قتل در فراش حکمی خلاف اصل است و بر خلاف اصول کلی مجازات است که آن را صرفاً در اختیار دادگاه و مقام قضایی می‌داند، ضرورت دارد شروط لازم جهت تحقق این فرض معلوم گردد تا از توسعه آن به موارد مشابه جلوگیری گردد.

شروط تحقق این فرض که در کتاب تحریرالوسیله به عنوان منبع فقهی این حکم به آن اشاره شد و دقیقاً در مفاد ماده نیز به چشم می‌خورد عبارتند از ضرورت وجود علقه زوجیت میان مرتکب جرم و زانیه، مشاهده زانی و زانیه توسط شوهر، وقوع زنا، علم به تمکین زن در مقابل زانی و ارتكاب قتل، ضرب یا جرح در همان زمان مشاهده زنا. تبیین این شرایط که البته مربوط به مقام واقع و ثبوت می‌باشد، هم باعث محدود شدن موارد استفاده از این حکم به قدر متیقن و مصادیق مورد نظر شارع می‌گردد و هم باب سوءاستفاده از حکم را می‌بندد و قابلیت تسری این حکم به پرونده‌های ناشی از انتقام جویی، صحنه سازی و ... را مسدود می‌نماید.

کتابنامه

الف. فارسی

۱. امامی، حسن (۱۳۷۵)، حقوق مدنی (خانواده)، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۳
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. حائری شاه‌باغ، علی (۱۳۵۳)، شرح قانون مجازات عمومی، فومن: مؤسسه مطبوعاتی آرش.
۵. صانعی، پرویز (بی‌تا)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱
۶. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، حقوق جنایی، تهران: انتشارات فردوسی، ج ۲
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر یلدا.
۸. کشاورز، بهمن (۱۳۷۵). مجموعه محشای قانون تعزیرات، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. گودرزی، فرامرز (۱۳۷۴)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات انیشتین
۱۰. محقق، محمدباقر (۱۳۶۰)، حقوق مدنی زوجین، تهران: بنیاد قرآن
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵)، حقوق خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی
۱۲. آزمایش، علی (۱۳۵۳)، «بررسی تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون کیفر همگانی»، مجله حقوق مردم. ش ۳۵. ۳۶.
۱۳. بابایی، حسین (۱۳۷۷)، «بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا» پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۸)، «قتل در فراش»، مجله مدرس، ش ۴.
۱۵. صبری، نورمحمد (۱۳۷۹)، «تحلیل ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی»، مجله دادگستر، ش ۳.
۱۶. صبری، نورمحمد (۱۳۷۹)، «تحلیل ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی»، مجله دادگستر، ش ۴.
۱۷. مهرپور، حسین (۱۳۷۵)، «سیری در منابع فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی»، نامه مفید، ش ۴.
۱۸. وزیری، ابوالفتح (۱۳۵۲)، «معافیت‌های قانونی و تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۲.

ب. عربی

۱۹. جزیری، عبدالرحمن (بی‌تا)، الفقه علی مذاهب الأربعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۵
۲۰. روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴ه.ق)، فقه الصادق، قم: دار الکتب، ج ۲۱

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (۱۳۵۱)، المبسوط فی الفقه الإمامیه، تهران: انتشارات مرتضویه، ج ۸
۲۲. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی (۱۰۴۱۰ه.ق). المقنعه، قم: مؤسس.ه النشر الإسلامی
۲۳. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (شهید أول) (بی تا)، اللمعه الدمشقیه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۹
۲۴. موسوی الخمینى، روح الله (بی تا)، تحریر الوسيله، قم: دارالعلم، ج ۲
۲۵. نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی. الطبع.ه السابع.ه، ج ۴۱